

Investigating Lexical and Syntactic Multi-Meaningfulness in the Contemporary Translations of the Holy Qur'an

Asieh Zouelm 

Ph.D. Student in Sciences of Qur'an and Hadith, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ali Hajikhani * 

Associate Professor, Department of Sciences of Qur'an and Hadith, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

“Multi-meaningfulness” referring to several meanings of a word is one of the disputed linguistic principles in the Qur'an, which is divided into two types of Lexical and Syntactic. Assuming the acceptance of this basis, due to the role of translation in conveying the message of the Qur'an, how to apply it in translation becomes important. This research seeks to find the correct way to apply multi-meaningfulness in the translation of the Qur'an and examine some translators' opinions about its acceptance by the descriptive-analytical method. To translate multi-meaning phrases, several meanings are expressed with the conjunction “and” in order to avoid distortion and semantic loss by considering criteria such as non-conflict of meanings with each other and with definite reasons. Among the translators under review, Meshkini and Makarem have specified the acceptance of “Multi-meaningfulness” as well as Rezaei has applied this basis with different ranges and methods in translation. Safavi does not accept “Multi-meaningfulness” based on Al-Mizan, as well as Moezzi and Fouladvand have never stated several meanings in the translation of a phrase.


Keywords: Qur'an, Translation, Lexical and Syntactic Multi-Meaningfulness.

* Corresponding Author: ali.hajikhani@modares.ac.ir


How to Cite: Zouelm, A., Hajikhani, A. (2021). Investigating Lexical and Syntactic Multi-Meaningfulness in the Contemporary Translations of the Holy Qur'an. *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*. 11(24). 93-120. doi: 10.22054/rctall.2021.58376.1532.

واکاوی چندمعنایی واژگانی و نحوی در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

آسیه ذوعلم 

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

علی حاجی‌خانی  *

چکیده

چندمعنایی به معنای اراده همزمان چند معنا از لفظ واحد، یکی از مبانی زبان‌شناختی مورد اختلاف در قرآن است که به دو نوع واژگانی و نحوی تقسیم می‌شود. با فرض پذیرش این مبنا، به دلیل نقش ترجمه در ابلاغ پیام قرآن، چگونگی اعمال آن در ترجمه اهمیت می‌یابد. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، علاوه بر یافتن شیوه درست اعمال چندمعنایی در ترجمه قرآن، دیدگاه برخی مترجمان را در این موضوع بررسی کند. برای ترجمه عبارات چندمعنا به منظور پرهیز از کژتابی و ریزش معنا با لحاظ معیارهایی چون عدم تعارض معانی با یکدیگر و با دلایل قطعی، چند معنا با حرف ربط «و» بیان می‌شود. از میان مترجمان مورد بررسی، مشکینی و مکارم که به پذیرش چندمعنایی تصریح کرده‌اند و نیز رضایی، این مبنا را با گستره‌ها و شیوه‌های متفاوتی در ترجمه کرده‌اند. صفوی که براساس المیزان چندمعنایی را نمی‌پذیرد و معزی و فولادوند، هیچ‌گاه در ترجمه یک عبارت چند معنا بیان نکرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ترجمه، چندمعنایی واژگانی، چندمعنایی نحوی.

مقدمه

یکی از مبانی زبان‌شناختی مورد اختلاف در مورد قرآن، «چند معنایی» به معنای اراده همزمان چند معنا از لفظ واحد است. نظریه چندمعنایی که خاستگاه اولیه آن اصول فقه بوده و سپس به تفسیر قرآن نیز راه یافته است، موافقان و مخالفان دارد و بعضی تنها با شرايطی آن را پذیرفته‌اند. از جمله دلایل موافقان، استفاده قرآن از همه ظرفیت‌های زبان و نیز وجود روایاتی در تأیید آن است. از دلایل مخالفان نیز می‌توان به عدم ظهور چند معنا در یک لفظ از لحاظ اصولی و عدم کاربرد عرفی این پدیده اشاره کرد (جوهری، ۱۳۹۷).

به دلیل نقش ترجمه قرآن در انتقال پیام آن، چگونگی ترجمه عبارات چندمعنا در قرآن اهمیت می‌یابد. بر این اساس، جستار حاضر تلاش می‌کند با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ گوید که «بر مبنای پذیرش نظریه چندمعنایی، روش ترجمه عبارات چندمعنا در قرآن چیست؟»، «انواع ترجمه چه تفاوتی در بازتاب انواع چندمعنایی دارند؟» و «دیدگاه مترجمان مورد بررسی در پژوهش در موضوع چندمعنایی در قرآن چیست؟»

در این پژوهش نمایندگانی از روش‌های ترجمه^۱ در دوره معاصر گزینش شده است؛ از روش تحت‌اللفظی ترجمه معزی، وفادار ترجمه فولادوند، معنایی ترجمه مکارم، آزاد ترجمه صفوی و تفسیری ترجمه مشکینی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما گاهی به دلیل خروج ترجمه‌های نام برده از روش غالب خود و یا به منظور بیان نکته‌ای از ترجمه مترجمان دیگر مانند رضایی یا گرمارودی نیز استفاده شده است. ترجمه‌های مکارم و مشکینی به دلیل بیان موضع خود در مورد چندمعنایی در تألیف‌هایشان و ترجمه آزاد صفوی (براساس میزان) به دلیل بازتاب مبنای علامه طباطبائی مورد توجه قرار گرفته‌اند. گزینش سایر مترجمان به دلیل شهرت آن‌ها در جامعه علمی است و از آنان اثری مبنی بر بیان موضع در مورد چندمعنایی یافت نشد. انتخاب نمونه‌ها از میان مواردی که مفسران و مترجمان معانی مختلفی برای آن‌ها بیان کرده‌اند و این معانی با احراز شرایط می‌توانسته مصداق چندمعنایی به حساب آید - به گونه‌ای که انواع چندمعنایی را پوشش دهد - صورت گرفته است.

۱- روش‌های ترجمه به پنج دسته تقسیم می‌شود: تحت‌اللفظی (اولویت‌بخشی به قالب زبانی متن اصلی)، وفادار (امانتداری در قالب زبانی دو متن اصلی و مقصد)، معنایی (تمایل به ساختارهای متن مقصد)، آزاد (تطابق کامل با ادبیات متن مقصد) و تفسیری (بیان دیدگاه‌های تفسیری ضمن ترجمه) (جوهری، ۱۳۹۷).

۱. پیشینه پژوهش

«چند معنایی در قرآن» عنوانی است که در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در حوزه قرآن کریم به چشم می‌خورد. این اصطلاح دارای دو معنای متفاوت «چند معنا داشتن یک لفظ» و «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» یا به عبارتی اراده همزمان چند معنا از یک لفظ است.^۱ بنابراین، لازم است معنی این اصطلاح در پژوهش حاضر و رابطه آن با پژوهش‌های نام‌برده مشخص شود.

بیشتر آثار در موضوع بررسی چندمعنایی در ترجمه قرآن، چندمعنایی را نه به معنای «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» که با مفهوم «چند معنا داشتن یک لفظ» مورد بررسی قرار داده‌اند. از آن جمله می‌توان به مقاله‌های «بررسی چندمعنایی واژه روح در ترجمه‌های قرآن کریم» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴)، «چندمعنایی در قرآن کریم، مطالعه موردی ترجمه واژه فتنه» (رضوانی و قنسولی، ۱۳۹۰)، «نگرشی به نظام چندمعنایی در قرآن کریم» (نهی‌رات و محمدیان، ۱۳۹۲) و پایان‌نامه «بررسی ترجمه‌های لغات چندمعنای قرآن کریم و مقایسه کار مترجمان عرب در مقابل غیر عرب» (سردشتی، ۱۳۹۵) اشاره کرد. موارد نام‌برده با وجود دارا بودن تشابه اسمی با موضوع پژوهش حاضر، عملاً دارای موضوعی متفاوت هستند و هیچ‌یک متعرض به موضوع پژوهش حاضر نشده‌اند. مقاله «وجود ابهام صرفی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم» (نظری، ۱۳۹۴) به «چندمعنایی صیغی» در ترجمه‌ها پرداخته است، اما تأکید این مقاله بر ایجاد ابهام در ترجمه به سبب ساختارهای زبان عربی و رفع آن با قرائن زبانی و غیر زبانی است.

از مهم‌ترین آثار در موضوع چندمعنایی (به معنای استعمال لفظ در بیش از یک معنا) در قرآن، کتاب «چند معنایی در قرآن کریم» (طیب حسینی، ۱۳۸۸) است که به تفصیل به بررسی مبانی این موضوع، تاریخچه و ابعاد آن می‌پردازد. در میان مقالات، چندمعنایی با رویکرد جواز «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» تنها در مقاله «واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم» (شهبازی و شهبازی، ۱۳۹۳) مورد توجه قرار گرفته که در آن بدون پیشنهاد شیوه‌ای برای ترجمه عبارات چندمعنا، تنها به چندمعنایی در سطح واژه پرداخته شده است.

۱- در ادامه پژوهش به طور مبسوط به این موضوع پرداخته خواهد شد.

نوآوری این پژوهش علاوه بر ارائه تقسیم‌بندی دقیق‌تر از انواع چندمعنایی و پرداختن به چندمعنایی نحوی یا ساختاری در ترجمه‌های قرآن، معرفی بهترین شیوه ترجمه، بررسی انواع ترجمه در رویارویی با این پدیده و نیز شناخت مبنای مترجمان از این جهت است.

۲. مبانی و مفاهیم نظری پژوهش

«چندمعنایی» اصطلاحاً در چند معنای مختلف کاربرد دارد. در یک معنا، اصطلاح چندمعنایی^۱ هنگامی به کار می‌رود که یک واحد زبانی (مانند واژه یا جمله) از چند معنا برخوردار باشد (صفوی، ۱۳۹۵). این اصطلاح در مورد واژگان، زمانی به کار می‌رود که این چند معنا با هم ارتباط معنایی داشته باشند (افراشی، ۱۳۹۵). نوع دیگری از چند معنا داشتن واژه که پدیده هم‌آوا-هم‌نویسی است به معنای یک شکل نوشته شدن چند واژه بدون هیچ ارتباط معنایی است (صفوی، ۱۳۹۵) که آن را «هم‌نامی»^۲ نیز می‌خوانند (افراشی، ۱۳۹۵). علاوه بر این، در علم الفاظ از اصطلاح «اشتراک لفظی» تعاریف مختلفی ارائه شده که بعضاً مشابه تعریف هم‌نامی است (ن. ک: طیب‌حسینی، ۱۳۹۵) و در کنار آن با زاویه دیدی دیگر، اصطلاح «اشتراک معنوی» به معنای «وجود یک مفهوم مشترک در کاربردهای یک واژه» است (همان). پدیده چندمعنایی هم‌اکنون در مباحث معنی‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد (ن. ک: افراشی، ۱۳۹۵).

یکی از عوامل چند معنا داشتن واژگان، وجود یک وزن برای چند مفهوم یا چندمعنایی صیغی است (ن. ک: نظری، ۱۳۹۴). به عنوان مثال، در زبان عربی به کارگیری وزن‌های مَفْعَل و مَفْعِل برای ظرف زمان، ظرف مکان و مصدر میمی سبب ایجاد چندمعنا برای یک واژه می‌شود.

چند معنا داشتن، علاوه بر امکان وقوع میان انواع واژگان در حوزه ترکیب‌ها نیز سبب پیدایش چندمعنایی نحوی یا ساختاری می‌شود که ابن فارس برای اولین بار بر آن تأکید و نمونه‌هایی را بیان کرده است (ابن فارس، بی‌تا).

اصطلاح دیگر چندمعنایی^۳ - که در این پژوهش نیز مورد استفاده است - نه تنها وجود چند معنا برای یک لفظ، بلکه «اراده همزمان چند معنا از یک لفظ» را نشان می‌دهد. به این معنا که

1- Polysemy
2- Homonymy
3- Multi- Meaningfulness

گوینده به صورت هم‌زمان، چند معنای مختلف قابل برداشت از لفظ را اراده کرده است. با این تعریف، چندمعنایی واژگانی، اراده هم‌زمان چند معنا از یک واژه و چندمعنایی نحوی یا ساختاری، اراده هم‌زمان چند معنا از یک عبارت با توجه به تغییر جایگاه نحوی واژگان، بدون تفاوت در معنای تک‌واژه‌هاست. چندمعنایی به این معنا، یکی از مباحث الفاظ در علم اصول فقه است که با عنوان «حمل لفظ مشترک بر همه معانی اش» و یا «استعمال لفظ در بیش از یک معنا»، ذیل بحث اشتراک در لغت بررسی شده است (طیب‌حسینی، ۱۳۹۵).

اراده هم‌زمان چند معنا از یک لفظ نیز مانند بسیاری از مباحث در طول زمان تکمیل و جنبه‌های مختلفی از آن بررسی شده است. در میان شیعیان، نخستین اظهارنظرها در مورد این پدیده در قرآن از سید مرتضی و شیخ طوسی است که امکان وقوع آن را می‌پذیرند (علم الهدی، ۱۳۶۳ و طوسی، ۱۴۱۷). زرکشی در اهل سنت و صاحب معالم در شیعه اقوال مختلف را در چندمعنایی بررسی کرده و آن را پذیرفته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۴ و العالمی، بی‌تا). از جمله علمای پذیرنده این مبنا از معاصران آیات عظام خوئی، صدر، امام خمینی و شبر؛ از مفسران صاحب تألیف اصولی، مانند سید مرتضی، طوسی و مکارم شیرازی در شیعه و فخررازی و بیضاوی در اهل سنت، همه بجز فخررازی، دانشمندان نحوی دارای تألیف در اعراب القرآن و نیز بیشتر مفسران عرفانی را می‌توان ذکر نمود (طیب‌حسینی، ۱۳۹۵). از جمله کسانی که چندمعنایی در قرآن را نمی‌پذیرند آخوند خراسانی و علامه طباطبایی هستند (آخوند خراسانی، بی‌تا و طباطبائی، ۱۳۹۰).

دلایل و شواهد موافقان وقوع چندمعنایی در قرآن عبارت‌اند از: چند معنا داشتن برخی واژگان، رخداد چندمعنایی در ادبیات عربی (مکارم، ۱۴۲۸)، وجود معانی باطنی برای قرآن (همان)، وجود روایات تفسیری مؤید چندمعنایی (مشکینی، ۱۳۹۶)، قدرت مطلقه خداوند و حکمت او (جوادی آملی، ۱۳۷۸)، ویژگی‌های انواع مخاطبان قرآن شامل معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان مخاطبان اصیل (همان)، مردم عصر نزول و همه مردم زمان‌ها و مکان‌های مختلف و نیز ویژگی‌های متن مکتوب در متغیر بودن مکان وقف و ابتدا (طیب‌حسینی، ۱۳۹۵).

۳. چگونگی ترجمه قرآن بر مبنای چند معنایی

گسترش مخاطبان ترجمه قرآن به طیف وسیعی از افراد، اهمیت پرداختن به مباحث تفسیری در ترجمه را نشان می‌دهد. پذیرش امکان وقوع چندمعنایی در قرآن، لازم است شرایط و محدودیت‌های آن و نیز نحوه اجرای آن در ترجمه مشخص شود.

۳-۱. شرایط ترجمه عبارات به صورت چند معنا

شرایط پذیرش وقوع چندمعنایی در عبارات قرآنی^۱ شامل عدم تعارض معانی با دلایل عقلی و نقلی (اعم از مبانی اعتقادی، کلامی و یا احکام مسلم فقهی)، عدم تعارض چند معنا با هم (جواهری، ۱۳۹۷)، توجه به معانی واژگان در زمان نزول قرآن (همان) و نیز توجه به هم‌نشینی واژگان مشترک لفظی، جهت‌گزینش معنا است. نمونه‌ای از تعارض معنا با دلایل قطعی، معنای «به پروردگار خود نگاه می‌کند» برای عبارت «الی ربها ناظرة» است که مستلزم تشبیه و تجسیم است. شرط عدم تعارض چند معنا با هم، سبب می‌شود از دو معنای طهر و حیض برای «قرء» در عبارت ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾^۲ که منجر به دو حکم فقهی متعارض می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲) تنها یکی صحیح باشد. توجه به هم‌نشینی نجم با هدایت در عبارت ﴿وَالنَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾^۳ نیز مانع پذیرش معنای بوته یا گیاه برای «نجم» است.

برخی پژوهشگران مطابقت معانی بیان شده با سیاق و نیز شأن نزول را لازم می‌شمرند. به عنوان مثال، برخی وجود سبب نزول مغایر با معنای برداشتی را مانعی تاریخی برای پذیرش آن می‌دانند (ن. ک: جواهری، ۱۳۹۷). بعضی نیز به‌طور صریح یا ضمنی، سیاق یا سبب نزول را شرط پذیرش معنای برداشتی از عبارات قرآنی نمی‌دانند (ن. ک: اسعدی، و طیب‌حسینی، ۱۳۹۵). روایات بیانگر معنایی متفاوت با سیاق یا سبب نزول از آیات، قرینه‌ای مؤید پذیرش دیدگاه اخیر است.

۳-۲. روش پیشنهادی برای ترجمه عبارات چند معنا

در ترجمه عبارات چندمعنا، پرهیز از کژتابی به معنای «ابهام»^۴ یا برداشت بیش از یک معنا از یک عبارت (خرمشاهی، ۱۳۸۴) ضروری است. بلاغت قرآن مستلزم عدم «ابهام» در آن است و تنها چندمعنایی از نوع «ابهام» پذیرفتنی است. «ابهام»، وقوع چندمعنایی بدون قصد گوینده

۱- برخی پژوهشگران اجمالاً عدم وجود مانع عقلی، عرفی یا تاریخی را شرط پذیرش چند معنا برای عبارت قرآنی دانسته‌اند (جواهری، ۱۳۹۷).

۲- سوره بقره، آیه ۲۲۸

۳- سوره نحل، آیه ۱۶

است، اما اگر عمدی باشد، «ایهام»^۱ نامیده می‌شود (صفوی، ۱۳۹۵) که معنایی مثبت دارد (خرمشاهی، ۱۳۸۴). ترجمه عبارات دارای ایهام در قرآن به صورت یک عبارت چندمعنا به نیت وفاداری در انتقال معنا از یک طرف سبب ایجاد شبهه «ایهام» در متن قرآن و از طرف دیگر، سبب سردرگمی خواننده در درک معنا می‌شود و از این رو صحیح نیست. بیان همه معنایی پذیرفته شده بر پایه جلوگیری حتی الامکان از «ریزش معنا»، نشانگر توجه مترجم به معنایی مختلف و عدم غفلت او از انتقال کامل معناست. شیوه پیشنهادی این پژوهش برای ترجمه در صورت عدم ترجیح سیاقی آن‌ها، بیان چند معنا با حرف ربط «و» است. در صورت ترجیح سیاقی یک معنا، پیشنهاد می‌شود ابتدا آن معنا بیان و سپس معنای دیگر با حرف ربط «و» در دو کمان ذکر شود.

۴. بررسی نمونه‌هایی از انواع ترجمه قرآن با توجه به چند معنایی

چندمعنایی واژگانی و نحوی در ترجمه‌ها به صورت‌های متفاوتی بازتاب یافته است. با بررسی ترجمه‌ها، مبنای مترجمان در این موضوع و نیز ارتباط نوع ترجمه با چگونگی بازتاب چندمعنایی مشخص می‌شود.

۴-۱. چند معنایی واژگانی در ترجمه‌های قرآن

چندمعنایی در سطح واژه را می‌توان به چند گونه تقسیم کرد. در این بخش بازتاب برخی گونه‌های چندمعنایی واژگانی در ترجمه‌ها بررسی می‌شود.

۴-۱-۱. چندمعنایی ریشه

گاهی ریشه یک واژه، دارای چند معنای متفاوت است.^۳ در اینجا یک نمونه قرآنی بررسی می‌شود:

﴿وَأَمْرَأْتُهُ فَانَّمَتْهُ فَضْحِكْتُ فَبَشَّرْتُنَّهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾^۴

1- Amphiboly

۲- «ریزش معنا» اصطلاحی است که کتاب روش‌شناسی ترجمه قرآن برای عدم انتقال کامل معنای مراد خداوند در

ترجمه قرآن و محدود شدن معارف قرآن به برداشت مترجم به کار برده است (جوهری، ۱۳۹۷)

۳- گاهی ممکن است این چند معنا در اصل با یکدیگر مرتبط باشند، اما ارتباط آن‌ها در زمان حاضر واضح نیست

۴- سوره هود، آیه ۷۱

برای واژه «ضحک» دو معنا ذکر شده است: خندیدن، یا عادت زنانه (ن. ک: ازهری، ۱۴۲۱). برخی مفسران با معنا کردن ضحک به خنده، معنای عبارت را شادی همسر ابراهیم (ع) پس از علم به فرشته بودن میهمانان و سپس بشارت او به فرزنددار شدن دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰). در این معنا «ف» در «فضحکت» نشانگر تفریع است و در «فبشرناها» تنها تأخر زمانی را نشان می‌دهد. برخی نیز ضحک را به معنای حائض شدن همسر ابراهیم (ع) و مقدمه پذیرش بشارت فرزنددار شدن به او ذکر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰). در این معنا، «ف» در «فضحکت» تنها تأخر زمانی را نشان می‌دهد؛ اما در «فبشرناها» نشانگر تفریع است.

ترجمه‌های از این آیه عبارت‌اند از:

معزّی: و زنش ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیمش به اسحاق و از پس اسحاق یعقوب (تحت اللفظی).

فولادوند: و زن او ایستاده بود. خندید. پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم (وفادار).

رضایی: و زن او ایستاده بود، و خندید (و عادت ماهیانه شد)؛ و وی را به اسحاق مژده دادیم، و (نیز) بعد از اسحاق به یعقوب (مژده دادیم). (وفادار)
مکارم: و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم (معنایی).

صفوی: در این هنگام همسر ابراهیم که آنجا ایستاده بود و این ماجرا را نظاره می‌کرد، عادت ماهانه دید، پس او را به اسحاق و از پی اسحاق به فرزند وی یعقوب نوید دادیم (آزاد).
مشکینی: و زن او ایستاده بود پس (برای آنکه مهمان‌های مرموز فرشته در آمدند) از شادی بخندید و (در مقدمه مژده فرزند به نحو اعجاز) حایض شد، پس او را به (پسری به نام) اسحاق و پشت سر اسحاق به (نوه‌ای به نام) یعقوب بشارت دادیم (تفسیری).

مشکینی و رضایی دو معنا برای ضحک با حرف ربط «و» بیان کرده‌اند. مکارم شیرازی که در ترجمه تنها معنای خندیدن را ذکر کرده در تفسیر نمونه دلیل این امر را عدم به کارگیری این فعل با معنای دوم برای انسان و عدم هم‌خوانی تعجب از فرزنددار شدن با این معنا می‌داند (مکارم، ۱۳۷۱). معزّی و فولادوند تنها معنای خندیدن و صفوی تنها معنای

حائض شدن را بیان کرده‌اند. در صورت پذیرفتن دومعنایی ضحک در آیه - با توجه به ترجیح وجود توضیح کوتاه تفسیری - ترجمه پیشنهادی چنین است:

«وزن او ایستاده بود پس (از شادی) خندید. حائض شد؛ پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم.»

۴-۱-۲. چندمعنایی واژه در کاربرد

در این گونه چندمعنایی، واژه براساس معنای ریشه آن، معنایی ثانوی نیز یافته است.

﴿فَدَأْفَلَحَ مِنْ تَزَكَّى﴾

لغت‌شناسان «تزکی» را از ریشه «زکی» (ابن فارس، ۱۴۰۴) یا «زکو» (فراهیدی، ۱۴۰۹) و هر دو ریشه را به معنای صلاح، طهارت و زیاد شدن دانسته‌اند (همان) که ارتباط این معانی با هم قابل بررسی است. براساس آن‌ها «زکات مال» را به معنای تطهیر آن (فراهیدی، ۱۴۰۹) یا موجب برکت آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) برشمرده‌اند. تزکی را نیز به معنای تصدق (صدقه دادن) ذکر کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴).

ترجمه‌های از این آیه عبارت‌اند از:

معزی: همانا رستگار شد آنکه پاکی جست (تحت اللفظی).

رضایی: به یقین رستگار شد کسی که [پاک گردید و] رشد یافت (وفادار).

مکارم: به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد (وفادار).

فولادوند: رستگار آن کس که خود را پاک گردانید (معنایی).

صفوی: قطعاً نیک‌بخت شد کسی که خود را از پلیدی‌ها و وابستگی‌های مادی پاک ساخت (آزاد).

مشکینی: حقاً که رستگار شد کسی که خود را (از عقاید فاسد و رذایل اخلاق و عمل‌های زشت) پاک کرد و رشد بخشید و زکات داد (تفسیری).

مکارم در ترجمه، معنای پاکی جستن و تزکیه را برای «تزکی» بیان کرده است. وی در تفسیر با بیان روایاتی که آیه را پرداخت زکات فطره معنا کرده‌اند، آن را مصداقی از تزکیه با معنای وسیع آن برشمرده (مکارم، ۱۳۷۱) و به نظر می‌رسد «تزکی» را مشترک معنوی دانسته است.

بیشتر مترجمان معنای «تزکی» را پاک کردن نفس یا پاکی جستن دانسته‌اند. رضایی دو معنای پاک شدن و رشد یافتن را بیان و معنای رشد یافتن را ترجیح داده است. مشکینی، سه معنا در عرض هم برای تزکی ذکر کرده: پاک کردن خود، رشد یافتن و زکات دادن. با توجه به معنای اثرپذیری (مطاوعه) باب تفعّل، معنای لغوی «تزکی»، «پاک شدن» یا «رشد یافتن» است. براساس این دو معنا، تزکی را دادن زکات نیز معنا کرده‌اند، اما لحاظ آن همراه با دو معنای بیان شده - به منظور بیان مراد گوینده - مصداق اراده چند معنا از یک لفظ است. علاوه بر این، از آنجا که سوره اعلی، مکی و سیاق آن اخلاقی و نه بیان احکام است، معنای «پرداخت زکات فطره»، برداشتی خارج از سیاق از آیه و براساس روایات است. براین اساس ترجمه پیشنهادی چنین است:

«حقاً که رستگار شد کسی که پاک گردید و رشد یافت (و زکات فطره پرداخت کرد).»

۴-۱-۳. چندمعنایی صیغی

در زبان عربی گاه تشابه وزنی چند صیغه، سبب اشتراک واژه در چند معنا می‌شود (ن. ک: نظری، ۱۳۹۴).

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^۱

«سجد» (ریشه واژه مساجد) به معنای سجده کردن است و از آنجا که وزن «مفعّل» در سه معنای ظرف مکان، ظرف زمان و مصدر میمی مشترک است، واژه مساجد می‌تواند دارای چند معنا باشد. در معنای ظرف مکان برای مسجد نیز دو معنای عبادتگاه و موضع سجده در بدن قابل تصور است.

ترجمه‌های از این آیه عبارت‌اند از:

معزّی: و آنکه سجده گاه‌ها از آن خدا است پس نخوانید با خدا کسی را (تحت‌اللفظی).

فولادوند: و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید (وفادار)

مکارم: و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید (وفادار).

صفوی: و به من وحی شده است که اعضای هفت گانه سجده از آن خداست؛ پس با آنها تنها او را عبادت کنید و با وجود خدا کسی را نپرستید (برای هیچ کس جز او سجده نکنید) (آزاد)

مشکینی: و اینکه مساجد از آن خداست (سجده‌های به قصد عبادت، اوقات نمازها از مجموع هر وقتی به مقدار انجام نماز آن، مسجدها جمعاً و هفت عضو بدن انسان که باید وقت سجده به زمین برسد، همه از آن اوست) پس احدی را با خداوند (به‌عنوان پرستش) نخوانید (تفسیری).

معزّی «مساجد» را سجده گاه معنا کرده و صفوی به تبعیت از المیزان که با توجه به روایت امام جواد (ع)، آن را اعضای هفت گانه سجده دانسته (طباطبائی، ۱۳۹۰) همین معنا را بیان کرده است. ذکر واژه مساجد بدون ترجمه (مکارم و فولادوند) در صورتی که به‌منظور دربرگرفتن همه معانی باشد، مصداق کژتابی است. همچنین مساجد در زبان فارسی جمع مسجد به معنای عبادتگاه است و مخاطب فارسی‌زبان تنها همین معنا را دریافت می‌کند.

مکارم در تفسیر نمونه از میان سه معنای عبادتگاه‌ها (معابد)، مواضع سجده در بدن و سجده کردن برای «مساجد»، اولی را درست می‌داند، معنای دوم را از باب توسعه در معنا بعید نمی‌شمرد و معنای سوم را خلاف ظاهر می‌داند (مکارم، ۱۳۷۱). مشکینی علاوه بر پذیرش این سه، معنای دیگر «اوقات نماز» را نیز ذکر می‌کند. با توجه به اینکه مسجد به معنای فعل، محل یا زمان عبادت به معنای سیاقی آیه نزدیک‌تر است، معنای «مواضع سجده» برای این واژه، معنایی ثانوی برداشتی از روایات است.

با پذیرش این معانی، ترجمه پیشنهادی چنین است:

«و این که سجده کردن‌ها، اوقات نماز و عبادتگاه‌ها (و مواضع سجده در بدن) از آن خداست؛

پس احدی را با خداوند (به پرستش) نخوانید.»

۴-۱-۴. چند مصداق از یک معنا

در صورتی که عبارتی با یک معنا شامل مصداق متعدد شود، چند معنا به حساب نمی‌آید و بنابراین نیازی به ذکر آن در ترجمه‌های غیر تفسیری نیست.

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» ... ﴿۱﴾

ترجمه‌ها از این عبارت آیه بیان شده چنین است:

معزی: آنچه داد به شما پیمبر پس بگیریدش و آنچه بازداشت شما را از آن پس باز ایستید (تحت اللفظی)

فولادوند: آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید (وفادار).

مکارم: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید (معنایی).

صفوی: آنچه را که رسول خدا به شما پرداخت آن را بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشت از آن دست بدارید (آزاد)

مشکینی: آنچه را فرستاده ما به شما داد (از احکام و معارف و اموال) بگیرید و از آنچه شما را منع و نهی کرد باز ایستید (تفسیری).

این عبارت از آیه در سیاق مسائل مالی (ماجرای غنائم بنی‌نضیر) مطرح شده است، اما حکمی کلی است و علاوه بر اموال و غنائم شامل احکام و معارف نیز می‌شود. تا جایی که برخی آن را سند روشن حجیت سنت دانسته‌اند (مکارم، ۱۳۷۱). مشابه این عبارت در کاربرد دیگر قرآنی ﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ﴾^۲ برای معارف الهی به کار رفته است که در آن مترجمان «ایفاء» را «دادن» و «اخذ» را «گرفتن» ترجمه کرده‌اند. بنابراین، این دو واژه چند معنا به حساب نمی‌آیند و بیان مصداق آن در ترجمه‌های غیر تفسیری و یا ذکر معنایایی چون «اجرا کنید»

۱- سوره حشر، آیه ۷

۲- سوره بقره، آیه ۶۳

برای واژه «اخذ» ضرورت ندارد. عبارتی چون «پرداخت کردن» (صفوی) که تنها منظور ویژه‌ای از آیه را پوشش می‌دهد، مناسب نیست. ترجمه باید به گونه‌ای بیان شود که مانند عبارت عربی، بتواند مصادیق متعدد را دربر گیرد. چنین ترجمه‌ای مصداق کژتابی نیست. ترجمه پیشنهادی چنین است:

«آنچه را فرستاده‌ما به شما داد برگزید و از آنچه شما را منع کرد خودداری کنید.»

۴-۲. چند معنایی نحوی در ترجمه‌های قرآن

چندمعنایی نحوی در عبارات قرآنی از برداشت‌های متفاوت از کل عبارت و نه اشتراک معنایی واژگان برمی‌خیزد. این نوع چندمعنایی به دلایل مختلفی پدید می‌آید؛ از جمله لحاظ چند مرجع برای ضمیر، فعل یا حال، در نظر گرفتن چند نقش برای یک واژه و یا تفاوت برداشت از صیغه افعال.

۴-۲-۱. چند مرجع برای ضمیر، فعل یا حال

در بعضی عبارات قرآنی برای یک ضمیر، فعل یا حال، چند مرجع قابل تصور است؛ بنابراین، چند معنا به دست می‌آید.

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۱

در این آیه مرجع ضمیر در «حُبِّهِ» می‌تواند خداوند و یا طعام باشد. ترجمه‌هایی که از این آیه بیان شده چنین است:

معزی: و خوراندند خوراک را با دوست داشتنش به بینوایی و یتیمی و برده‌ای (تحت اللفظی).

فولادوند: و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند (وفادار).

مکارم: و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند (معنایی).

صفوی: و غذایی را که از شدت احتیاج، آن را دوست می‌داشتند، به مسکین و یتیم و اسیر عطا کردند (آزاد).

مشکینی: و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می کنند (تفسیری).

فولادوند مرجع ضمیر را خداوند و معزی، مکارم و صفوی، آن را طعام دانسته اند. مکارم در تفسیر نمونه، براساس توصیه به «انفاق از دوست داشتنی‌ها»^۱ و نیز بیان اخلاص در انفاق در آیه ﴿إِنَّمَا تُطْعَمُكُمْ لُوجْهِ اللَّهِ﴾^۲، بازگشت ضمیر را به طعام محتمل تر می داند (مکارم، ۱۳۷۱) و مشکینی هر دو مرجع ضمیر را می پذیرد. از آنجا که هر دو معنا از ظاهر قابل برداشت است، این ترجمه پیشنهاد می شود:

«و غذا را با وجود علاقه به آن، از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می کنند.»

آیه دیگری که دارای چند مرجع برای ضمیر، فعل یا حال است، آیه ۶۳ سوره نور است:

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ... ﴿

در عبارت ابتدایی آیه ۶۳ سوره نور، بسته به اینکه «دعاء» (خواندن) را از جانب پیامبر بدانیم یا از جانب مردم، دو معنا قابل برداشت است: «نباید دعوت پیامبر را مانند دعوت سایر مردم بی اهمیت دانست» و «مردم نباید مانند وقتی که سایر مردم را می خوانند، پیامبر را صدا کنند». ترجمه هایی که از این آیه بیان شده چنین است:

معزی: نگردانید خواندن پیامبر را میان شما مانند خواندن برخی از شما برخی را (تحت اللفظی).

فولادوند: خطاب کردن پیامبر را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید (وفادار).

مکارم: صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید (معنایی).

گرامرودی: پیامبر را میان خویش چنان فرانخوانید که یکدیگر را فرامی خوانید (آزاد).

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۲

۲- سوره آل عمران، آیه ۹۳

مشکینی: دعوت و خواندن پیامبر را (به سوی هر امر دینی و دنیوی) میان خودتان همانند دعوت و خواندن برخی از شما برخی دیگر را قرار مدهید (و آن را بی‌اهمیت تلقی نکنید) (تفسیری). از میان مترجمان، معزی، فولادوند و مکارم، عبارت را به صورت کژتاب ترجمه کرده‌اند، اما مکارم در تفسیر نمونه مفهوم آیه را نهی از بی‌اهمیت دانستن سخن پیامبر دانسته است (مکارم، ۱۳۷۱). گرمارودی معنای دوم را با ترجمه آزاد بیان کرده و توضیحات داخل دوکمان مشکینی نیز نشانگر پذیرش معنای اول است.

تهدید مخالفان امر پیامبر (ص) در عبارات بعدی آیه، نشان می‌دهد سیاق در تأیید معنای اول است (طباطبایی، ۱۳۹۰)، اما عبارت می‌تواند در معنای دوم خارج از سیاق و سازگار با مبانی نیز به کار رود. ترجمه پیشنهادی به منظور جلوگیری از ریزش معنایی، چنین است:

«فراخوان پیامبر در میانتان را مانند فراخواندن خودتان از یکدیگر تلقی نکنید (و پیامبر را در میان خود همانند خواندن یکدیگر فراخوانید)»

۴-۲-۲. چند نقش برای یک واژه

اعراب یکسان نقش‌های مختلف واژگان در زبان عربی، گاهی سبب ایجاد چندمعنایی نحوی یا ساختاری می‌شود. در نمونه مورد بررسی واژه «المقیمین» مدنظر است.

﴿لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱

دو نقش اصلی بیان شده برای واژه «المقیمین» شامل «منصوب به مدح» و «مجرور به عطف به جر» است. برخی واژه‌المقیمین را به دلیل تأکید ویژه بر عمل اقامه نماز در نقش مدح (یا اختصاص) می‌دانند که در آن فعل «اعنی» یا مشابه آن در تقدیر فرض می‌شود. برخی نیز آن را عطف به «ما أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ» و مراد آیه را ایمان به آنچه نازل شده و ایمان به اقامه کنندگان نماز ذکر می‌کنند. کسایی با این دیدگاه منظور از «المقیمین» را انبیا دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷ و طباطبایی، ۱۳۹۰).

معزّی: لیکن به‌دانش فرورفتگان از ایشان و مؤمنان ایمان آورند بدانچه فرستاده شد به‌سوی تو و بدانچه فرستاده شده است پیش از تو و بپای‌دارندگان نماز و دهندگان زکات و ایمان‌آرندگان به خدا و روز بازپسین آنان را به‌زودی دهیمشان پاداشی بزرگ (تحت‌اللفظی).

فولادوند: لیکن راسخان آنان در دانش، و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران، و زکات‌دهندگان و ایمان‌آرندگان به خدا و روز بازپسین که به‌زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد (وفادار).

مکارم: ولی راسخان در علم از آنها، و مؤمنان (از امت اسلام)، به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می‌آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات‌دهندگان و ایمان‌آرندگان به خدا و روز قیامت، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد (معنایی).

صفوی: ولی کسانی از آنان که در آگاهی از معارف الهی پایدارند و نیز مؤمنان راستیشان، به کتابی که بر تو نازل شده و به کتاب‌های آسمانی که پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند، و همچنین برپاکنندگان نماز که سزاوار ستایشند و پرداخت کنندگان زکات، و کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان دارند، اینانند که به‌زودی پاداشی بزرگ عطایشان خواهیم کرد (آزاد).

مشکینی: لکن راسخان در علم از آنان (علمای حقیقی تورات و انجیل) و همه مؤمنان که به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو (بر پیامبران گذشته) نازل شده ایمان می‌آورند و به‌ویژه نمازگزاران و نیز زکات‌دهندگان و ایمان‌آرندگان به خدا و روز واپسین، همه آنها را به‌زودی پاداشی بزرگ خواهیم داد (تفسیری).

ترجمه تحت‌اللفظی معزّی که فعل در ابتدای جمله ذکر شده کثرتاب است. مکارم (معنایی) نقش ویژه‌ای برای واژه المقیمین نشان نداده است. صفوی با عبارت «که سزاوار ستایشند» و نیز فولادوند با عبارت «خوشا بر» به‌نوعی آن را مدح و مشکینی با عبارت «به‌ویژه» اختصاص دانسته‌اند که همه از لحاظ نحوی یک جایگاه به‌حساب می‌آیند. در صورت پذیرش دو نقش مدح (یا اختصاص) و عطف به مجرور برای «المقیمین» ترجمه پیشنهادی چنین است:

«ولی استواران در علم^۱ از آنها و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، و اقامه کنندگان نماز ایمان می‌آورند. به‌ویژه نماز گزاران و نیز زکات‌دهندگان و ایمان‌آورندگان به خدا و روز قیامت را به‌زودی به همه پاداشی بزرگ خواهیم داد.»

۴-۲-۳. برداشت‌های متفاوت از صیغۀ افعال

در بعضی موارد از یک عبارت با یک معنا چند برداشت امکان‌پذیر است. مفسران از برخی عبارات اخباری قرآنی برداشت عبارت انشایی (امر و نهی) کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در عبارت ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾^۲ مراد از خبر را امر دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲).

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۳

گرچه معنای واژگان آیه یکتاست، سه معنا برای آن ذکر شده است: وساطت فرشتگان مطهر در رساندن قرآن، درک عمیق پاکان از معارف قرآن و عدم جواز مس بدون طهارت که نشانگر معنای انشایی (با دو مصداق) یا اخباری برای آیه است.

ترجمه‌های بیان شده از این آیه چنین است:

معزی: دست بدان نسایند جز پاک‌شدگان.

فولادوند: که جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند (وفادار).

مکارم: و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند] (معنایی).

صفوی: و جز پیراستگان از گناه هیچ کس به علم آن دسترسی نخواهد داشت (آزاد).

مشکینی: که آن (لوح نوشته) را لمس نکند جز فرشتگان پاکیزه شده (از کدورت تجسم و معاصی)، و خطوط این قرآن را لمس نکند جز پاکان از حدث، و معارف آن را نداند جز پاکیزگان از رذایل اخلاقی، و حقایق عرفانی آن را درک نماید جز پاکان از تعلق دل به غیر معبود (تفسیری).

۱- در مورد عبارت «راسخان در علم» و ترجمه آن در ادامه توضیحاتی بیان خواهد شد.

۲- سوره بقره، آیه ۲۳۳

۳- سوره واقعه، آیه ۷۹

مکارم که در تفسیر نمونه جمع بین سه معنای بیان شده را ممکن می‌داند (مکارم، ۱۳۷۱) در ترجمه به دو معنای انشایی و اخباری اشاره کرده است. معزّی و فولادوند با عبارت‌های دست ساییدن و دست زدن، تنها مقصود انشایی آیه را بیان کرده‌اند. صفوی، مانند المیزان که آیه را به قرینه ذکر «کتاب مکنون» در تعظیم امر قرآن و مسّ را به معنای علم به آن می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰)، تنها برداشت اخباری از عبارت را به نحوی آزاد بیان کرده است. مشکینی نیز به مصادیق متعدّد مفهوم آیه اشاره کرده است. این آیه مگّی و در سیاق آیات معارفی و با مفهوم اخباری است و معنای انشایی (فقهی) مستند به روایات (طوسی، ۱۴۰۷) می‌تواند به عنوان معنای دوم در ترجمه بیان شود. با توجه به عدم ضرورت ذکر مصادیق در ترجمه غیر تفسیری، ترجمه پیشنهادی چنین است:

«جز پاکان بر آن دست نمی‌یابند (و جز پاک‌شدگان نباید به آن دست زنند)».

۴-۳. چندمعنایی واژگانی و نحوی به‌طور همزمان

گاه چندمعنایی ترکیبی از دو نوع واژگانی و نحوی و وابسته به یکدیگر است.

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقِيْنَ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ
وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾^۱

در عبارت پایانی آیه، واژه «قول»، هم می‌تواند اسم مصدر به معنای کلام و هم مصدر به معنای سخن گفتن باشد (ازهری، ۱۴۲۱). براین اساس دو جایگاه مفعول به و یا مفعول مطلق نوعی برای آن متصوّر است.

ترجمه‌های بیان شده از این آیه چنین است:

معزّی: بگوئید گفتاری نکو را (تحت اللفظی).

فولادوند: و گفتاری شایسته گوید (وفادار).

مکارم: و سخن شایسته بگوید (معنایی).

صفوی: باید با لحنی متعارف که فسادانگیز نیست سخن بگوید (آزاد).

مشکینی: و گفتاری نیکو (و دور از تحریک و ریه) بگوید (تفسیری).

معزی، فولادوند و مکارم در ترجمه، قول را مفعولاً به دانسته‌اند. مکارم در تفسیر نیز قسمت اول آیه را در مورد نحوه سخن گفتن و قسمت دوم را در مورد محتوای سخن می‌داند (مفعولاً به). اما نقش مفعول مطلق نوعی را نیز برای قول محتمل می‌شمرد (مکارم، ۱۳۷۱). صفوی قولاً را مفعول مطلق نوعی ترجمه کرده است. مشکینی با عبارت گفتار نیکو، معنای اول و با توضیح تفسیری در دو کمان معنای دوم را ذکر کرده است. با فرض پذیرش بدون ارجحیت دو معنا ترجمه پیشنهادی چنین است:

«به شایستگی، سخنی نیکو بگوید.»

آیه دیگری که به عنوان نمونه چندمعنایی واژگانی و نحوی به‌طور همزمان می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۷ سوره آل عمران است:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

این آیه از جهات مختلفی معرکه آرای مفسران شیعه و سنی است. یکی از چالش‌های آیه، «واو» در عبارت ﴿مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ...﴾ است که براساس محل وقف، چند دیدگاه در مورد آن بیان کرده‌اند. بیشتر مفسران شیعی با توجه به روایات (ن. ک: کلینی، ۱۴۰۷) و برخی از بزرگان ادب اهل سنت (نحاس، ۱۴۲۱ و زمخشری، ۱۴۰۷) واو را عاطفه می‌دانند. بعضی نیز واو را مستأنفه و راسخان در علم را در تقابل با ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ﴾ می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۱ و طباطبائی، ۱۳۹۰). این دیدگاه نیز مؤید روایی دارد (شریف الرضی، ۱۴۱۴).

بر مبنای پذیرش چندمعنایی در قرآن، نقش واو هم عطف و هم استیناف است و در هر مورد معنایی برای آیه بیان می‌شود. در تأیید این دیدگاه نیز شواهدی موجود است.

برای واژه رسوخ، دو معنای «ثبوت چیزی در موضع خود» (فراهیدی، ۱۴۰۹) و «نفوذ» مبتنی بر کاربرد آن برای فرو رفتن آب در زمین (ازهری، ۱۴۲۱) برداشت می‌شود. برخی این واژه را از اضداد شمرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴). براین اساس رسوخ در علم، هم به معنای استواری و هم

به معنای فرو رفتن در علم است (اسعدی، ۱۳۸۸). این دو معنا متناظر با دو وجه عطف و استیناف واو در آیه، دو معنا از کل عبارت به دست می‌دهد. واو عطف متناظر با معنای «نفوذ» برای رسوخ، بالاترین مقام علم به تأویل را برای معصومان علیهم السلام نشان می‌دهد. واو استیناف متناظر با معنای «استواری» برای رسوخ، براساس احادیث، عمل به علم (طبری، ۱۴۱۲)، اعتراف به نادانسته‌های تأویل (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴) و ایمان به آن (کلینی، ۱۴۰۷) را نشان می‌دهد و با کاربرد دیگر راسخان در علم در قرآن (عده‌ای از علمای اهل کتاب)^۱ تأیید می‌شود. روایتی از صادقین علیهما السلام^۲ نیز مؤید برداشت دو معنا به صورت همزمان از این عبارت است. بنابراین، چندمعنایی در این عبارت، شامل هر دو نوع واژگانی و نحوی است که به هم وابسته‌اند. مترجمان عبارت را این گونه معنا کرده‌اند:

معزّی: حالی که نمی‌داند تاویل آن را جز خدا و فرورفتگان در علم گویند ایمان آوردیم بدان هر یک (همگی) از نزد پروردگار ما است (تحت اللفظی).
 گرمارودی: در حالی که تأویل آن را جز خداوند نمی‌داند و استواران در دانش، می‌گویند: ما بدان ایمان داریم، تمام آن از نزد پروردگار ماست (وفادار).
 صفوی: در حالی که هیچ کس جز خدا خاستگاه آنها را نمی‌داند، و اما کسانی که در شناخت معارف الهی پایدارند، می‌گویند: ما به قرآن ایمان آورده‌ایم، زیرا قرآن - چه آیات روشن و استوار آن و چه متشابهاتش - همه از جانب پروردگار ماست (آزاد).
 مکارم: در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آن‌ها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست» (تفسیری).
 مشکینی: در حالی که تأویل (و بازگشت معنی حقیقی) آن را جز خدا نمی‌داند؛ و آنان که رسوخ در دانش دارند می‌گویند:... (تفسیری).

۱- لَکِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ (سوره نساء، آیه ۱۶۲)

۲- «فَرَسُّوهُ اللَّهُ (ص) أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ، قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَالتَّأْوِيلِ وَ أَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ تَأْوِيلَهُ إِذَا قَالَ الْعَالِمُ فِيهِمْ يَعْلَمُ فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ- يَقُولُونَ أَمَّا بِهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا» (کلینی، ۱۴۰۷)

مکارم که در تفسیر، عطف بودن «راسخان در علم» بر «الله» را با قرائن درونی و بیرونی هماهنگ‌تر از استیناف می‌داند (مکارم، ۱۳۷۱) در ترجمه نیز همین معنا را بیان کرده است. فولادوند نیز با ترجمه راسخان به «ریشه‌داران» و او عطف را برگزیده است. مشکینی بدون ترجمه واژه راسخ و صفوی با ترجمه این واژه به «پایدار»، «او» را مستأنف دانسته‌اند. معزی، راسخان را به «فرورفتگان» و گرمارودی به «استواران» ترجمه کرده‌اند و هر دو، به دلیل عدم علامت‌گذاری موضع وقف کژتاب هستند. با پذیرش هر دو معنا ترجمه پیشنهادی چنین است:

«در حالی که تأویل آن را جز خدا و فرورفتگان در دانش نمی‌دانند. و استواران در دانش می‌گویند: به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از نزد پروردگار ماست.»

۵. بررسی ترجمه‌ها بر مبنای چندمعنایی

بازتاب چندمعنایی در ترجمه‌های قرآن از دو زاویه «بررسی انواع ترجمه در بروز این پدیده» و «نقش مترجمان مختلف در بازتاب آن» قابل بررسی است.

۱-۵. قابلیت نوع ترجمه در بازتاب چندمعنایی

در چگونگی بازتاب چندمعنایی واژگانی و نحوی تفاوت‌هایی میان انواع ترجمه وجود دارد. در چندمعنایی واژگانی، ذکر واژه بدون برگردان هدف از ترجمه را برآورده نمی‌کند. همچنین در صورت چندمعنا بودن واژه در زبان مقصد به دلیل کژتابی، قابل پذیرش نیست. به عنوان نمونه می‌توان از عدم ترجمه واژه مساجد^۱ یا راسخون^۲ در برخی ترجمه‌ها یاد کرد. در انتقال چندمعنایی واژگانی تفاوتی میان انواع ترجمه وجود ندارد. کژتابی ناشی از چندمعنایی نحوی در ترجمه تحت‌اللفظی به دلیل اولویت قالب متن مبدأ، بیشتر نمایان می‌شود و نشانگر ضعف این نوع ترجمه است، اما بعضاً در انواع دیگر ترجمه نیز مشاهده می‌شود و پسندیده نیست. در ترجمه آزاد از آنجا که مترجم مقید به انتقال مفهوم به بهترین شکل در قالب زبان مقصد است، کمتر مشاهده می‌شود. این کژتابی گاه تنها با استفاده از علائم نگارشی برطرف می‌شود.

۱- سوره جن، آیه ۱۸

۲- سوره آل عمران، آیه ۷

امکان بروز چندمعنایی در انواع ترجمه وجود دارد، اما از آنجا که در ترجمه تحت‌اللفظی و نیز وفادار به بیان حداقل واژگان اکتفا می‌شود، به نظر می‌رسد مترجم به گزینش یک معنا روی می‌آورد. در ترجمه تفسیری به دلیل باز بودن دست مترجم در بیان توضیحاتی فراتر از ترجمه، علاوه بر بازتاب کامل تر چندمعنایی، قابلیت بیان مصادیق گوناگون، احتمالات مختلف تفسیری یا معانی باطنی در طول معنای ظاهری بیشتر است.

با وجود تفاوت‌های انواع ترجمه در بازتاب چندمعنایی، این امر بیشتر از نوع ترجمه به مبنای مترجم در پذیرش یا عدم پذیرش چندمعنایی وابسته است. مؤید این امر، مشاهده مواردی هرچند اندک از بازتاب چندمعنایی در انواع ترجمه است.

۲-۵. مبنای مترجمان قرآن در چندمعنایی

مبنای مترجمان در مسأله چندمعنایی و نیز چگونگی به کارگیری عملی آن از توجه به شواهدی در ترجمه و نیز بیان صریح آن‌ها در این موضوع مشخص می‌شود.

مکارم در انوارالاصول ضمن پذیرش وجود چندمعنایی در قرآن نسبت دادن چند معنا به یک عبارت قرآنی را مستلزم وجود قرینه داخلی یا خارجی (مانند روایات) می‌داند (مکارم، ۱۴۲۸). اعمال این مبنا در بیان معنای آیات در تفسیر نمونه و ترجمه وی از قرآن مشهود است. وی در تفسیر تلاش می‌کند با روش‌هایی از جمله تطبیق چند معنای یک واژه بر مشترک معنوی، یک قول را برگزیند و براین اساس روایات تفسیری منجر به چندمعنایی را توجیه می‌کند (مکارم، ۱۳۷۱). ترجمه او محدودیت بیشتر در پذیرش چندمعنایی را نشان می‌دهد، طوری که تنها در یکی از موارد مورد بررسی؛ یعنی آیه ۹۶، سوره واقعه بیش از یک معنا برای آیه بیان شده است.

مشکینی که در تحریرالمعالم به پذیرش چندمعنایی در قرآن تصریح کرده (مشکینی، ۱۳۹۶) با توجه به شواهد بسیار در ترجمه، دامنه رخداد آن را در قرآن گسترده می‌داند. این مبنا در تمام نمونه‌های مورد بررسی چندمعنایی واژگانی و در اندکی از نمونه‌های چندمعنایی نحوی نمایان شده است. به نظر می‌رسد یکی از معیارهای اصلی وی در پذیرش چند معنا برای یک آیه، تطابق بیشتر با سیاق و یا وجود روایت در تأیید آن است. بنابراین، در غیر از این موارد، جز یک معنا برای عبارت بیان نمی‌کند.

صفوی نیز با ترجمه آزاد «براساس المیزان» عملاً در آن مبنای علامه طباطبائی را مبنی بر عدم پذیرش چندمعنایی اعمال نموده است.

برای تشخیص مبنای سایر مترجمان قرآن در مسأله چندمعنایی، منبع دیگری غیر از ترجمه آنان از قرآن نیست. معرّی (تحت اللفظی) و فولادوند (وفادار) در هیچ‌یک از آیات مورد بررسی، بیش از یک معنا از آیه بیان نکرده‌اند، اما به دلیل اکتفا به حداقل واژگان در این دو نوع ترجمه، مبنای مترجم به درستی بازتاب نمی‌یابد. با این حال در ترجمه وفادار رضایی نمونه‌هایی از چندمعنا ترجمه کردن عبارات (از جمله سوره هود، آیه ۷۱ و سوره اعلی، آیه ۱۴) به چشم می‌خورد و این امر نشانگر پذیرش این مبنا از دیدگاه اوست.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور جلوگیری از ریزش معنا در ترجمه عبارات قرآنی، ضمن پرهیز از کژتابی به منظور جلوگیری از گمان ابهام در متن قرآن، چند معنای مختلف برداشتی، با شرایط عدم تعارض آن‌ها با هم و با دلایل قطعی، توجه به هم‌نشینی و مطابقت معنای واژگان با معنای زمان نزول قرآن، بیان می‌شود. روش پیشنهادی ترجمه در صورت عدم ارجحیت معنای برداشتی، ذکر چند معنا در عرض هم با حرف ربط «و» و در صورت ترجیح یک معنا با قرینه‌ای مانند سیاق، ذکر ابتدایی معنای مطابق با سیاق و بیان معنای دیگر در دو کمان با حرف ربط «و» است.

در همه انواع ترجمه امکان بروز چندمعنایی واژگانی و نحوی وجود دارد. با این حال در ترجمه‌های تحت اللفظی و وفادار به دلیل اکتفا به بیان حداقل واژگان، معمولاً تنها یک معنا بیان می‌شود. کاستی نوع تحت اللفظی به‌ویژه در بازتاب چندمعنایی نحوی به صورت کژتاب نمایان می‌شود. همچنین در ترجمه تفسیری مجال گسترده‌تری برای بیان چند معنا، مصادیق مختلف و احتمالات تفسیری وجود دارد.

از مترجمان مورد بررسی، مکارم و مشکینی در تألیف‌های اصولی خود به پذیرش چندمعنایی تصریح کرده‌اند. با وجود این، تفسیر نمونه محدودیت گستره این امر در قرآن را در دیدگاه مکارم نشان می‌دهد و در ترجمه او محدودیت بیشتری نیز نمایان است. مشکینی در ترجمه تفسیری، پذیرش چندمعنایی را در سطح گسترده‌ای به‌ویژه در چندمعنایی واژگانی نشان داده است. ترجمه آزاد صفوی براساس میزان، مبنای علامه طباطبایی را در عدم پذیرش چندمعنایی بازتابانده است. به دلیل تأثیر نوع ترجمه در بیان معنای، مبنای معرّی (تحت اللفظی) و فولادوند (وفادار) با وجود بیان تنها یک معنا در عبارات مورد بررسی با قطعیت مشخص نمی‌شود. بازتاب چندمعنایی در مواردی از ترجمه رضایی، نشان از پذیرش این مبنا از سوی وی دارد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Asieh Zouelm
Ali Hajikhani



<http://orcid.org/0000-0001-8061-5774>

<http://orcid.org/0000-0002-8255-8432>

منابع

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمد کاظم. (بی تا). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
ابن فارس، احمد. (بی تا). الصحاح فی فقه اللغة العربیة و مسائلها و سنن العرب فی کلامها. بی جا.
_____ . (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. ج ۱. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۳. بیروت: دار صادر.
ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱). تهذیب اللغة. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
اسعدی، محمد. (۱۳۹۴). سایه‌ها و لایه‌های معنایی. ج ۳. قم: بوستان کتاب.
_____ . (۱۳۸۸). معنانشناسی راسخان در علم با تأکید بر کاربرد روایی. علوم حدیث، ۱۴(۳)، ۴۷-۵۹.

افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). مبانی معنانشناسی شناختی. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم. ج ۱. قم: مرکز نشر اسراء.
جوهری، سید محمد حسن. (۱۳۹۷). روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم. ج ۵. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۴). کثرتابی‌های ذهن و زبان. ج ۱. تهران: ناھید.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. ج ۱. بیروت: دار القلم.
رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۳). ترجمه قرآن. ج ۱. قم: مؤسسه دارالذکر.
زرکشی، بدر الدین. (۱۴۱۴). البحر المحيط فی اصول الفقه. قاهره - مصر: دار الکتبی.
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. ج ۳. بیروت: دار الکتب العربی.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه. تحقیق و تصحیح صبحی صالح. ج ۱. قم: هجرت.
صفوی، کورش. (۱۳۹۵). در آمدی بر معنانشناسی. ج ششم. تهران: سوره مهر.

- صفوی، محمدرضا. (۱۳۸۸). ترجمه قرآن براساس المیزان. چ ۱. قم: دفتر نشر معارف.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. چ ۲. بیروت: مؤسسه‌ی علمی للمطبوعات.
- _____ . (۱۳۹۳). قرآن در اسلام. چ ۷. قم: بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۳. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۱. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام. تحقیق و تصحیح حسن الموسوی خراسان. چ ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ . (۱۴۱۷). العده فی اصول الفقه. چ ۱. قم: تیزهوش.
- طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۵). چند معنایی در قرآن کریم. چ ۳. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- العالمی، حسن بن زین الدین. (بی تا). معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: مؤسسه‌ی النشر الاسلامی.
- علم الهدی، سید مرتضی. (۱۳۶۳). الدرر یعه الی اصول الشریعه. تحقیق ابوالقاسم گرجی. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. چ ۲. قم: نشر هجرت.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۸). ترجمه قرآن. چ ۳. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. چ ۱. تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۹۶). تحریر المعالم فی اصول الفقه. بی جا.
- _____ . (۱۳۸۱). ترجمه قرآن. چ ۲. قم: نشر الهادی.
- معزی، محمد کاظم. (۱۳۷۲). ترجمه قرآن. چ ۱. قم: اسوه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸). انوار الاصول. چ ۲. قم: مدرسه‌ی الامام علی بن ابیطالب (ع).
- _____ . (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. چ ۱۰. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- _____ . (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴). ترجمه قرآن. چ ۲. تهران: قدیانی.
- نحاس، احمد بن محمد. (۱۴۲۱). اعراب القرآن. چ ۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- نظری، یوسف. (۱۳۹۴). وجود ابهام صرفی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم.
- پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۵(۱۲)، ۴۱-۶۳.

References

The Holy Quran.

- Afrashi, A. (2016). *Introducing Cognitive Semantics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Akhond Khorasani, M. K. (n.d). *Kifayat Al-Osool*. Qom: Moassesa Al Al-Bayt li Ehya Al-Torath. [In Arabic]
- Alam al- Hoda, S. M. (1984). *Al- Zari'a Ela Osool al- Shari'a*. Research: Gorji. A. Q. Tehran: Tehran University. [In Arabic]
- Al- Alemi, H bin Z. (n.d). *Ma'alem al-Din va Malaz al- Mojtahedin*. Qom: Moassesa al- Nashr al- Eslami. [In Arabic]
- As'adi, M. (2015). *Semantic Layers and Shades of Qur'an*. Qom: Boostane Ketab. [In Persian]
- _____. (2009). The Semantical Study of 'al- Rasekhoon fi al- Elm' with Emphasis on Narrational Applications. *Ulum-I- Hadith*. 14 (3). 47- 59. [In Persian]
- Azhari, M. bin A. (2000). *Tahdhīb al-Lugha*. Beirut: Dar Ehya' al-Torath al-Arabiy. [In Arabic]
- Fakhr Razi, M. bin O. (1999). *Al- Tafsir al- Kabir*. Beirut: Dar Ehya' al-Torath al-Arabiy. [In Arabic]
- Farahidi K, bin A. (1988). *Kitab al-Ayn*. Qom: Hejrat. [In Arabic]
- Fuladvand. M. M. (1997). *Translation of Qur'an*. Tehran: Offie of Islamic History and Education. [In Persian]
- Ibn Fares, A. bin F. (1983). *Mo'jam Maqayis al-Lugha*. Qom: Maktab al-A'lam al-Eslami. [In Arabic]
- _____. (n.d). *Alsahebi fi Feqh el- Loghat al- Arabiya va Masaeleha va Sonan al- Arab fi Kalameha*. n.p [In Arabic]
- Ibn Manzur, M. bin M. (1993) *Lisan Al- Arab*. 3rd ed. Beirut: Dar al- Sader. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (1999). *Tafsir Tasnim*. Qom: Esra'. [In Persian]
- Javaheri. S. M. H. (2018). *The Methodology of the Translation of Qur'an*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
- Khorramshahi, B. (2005). *Ambiguity of Mind and Language*. Tehran: Nahid. [In Persian]
- Kolayni, M. bin Y. (1986) *Al-Kafi*. Research: Ghaffari. A. A. and Akhundi. M. Tehran: Dar al-Kotob Al-Eslamiyya.
- Makarem Shirazi, N. (2007). *Anvar al- Osool*. Qom: Madrasa Ali bin Abitaleb.
- _____. (1992). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Dar al- Kotob al-Eslamiya. [In Persian]
- _____. (2017). *Translation of Qur'an*. Tehran: Offie of Islamic History and Education. [In Persian]
- Meshkini Ardabili, A. (1396). *Tahrir al- Ma'alem fi Osool el- Feqh*. n.p [In Arabic]
- _____. (2002). *Translation of Qur'an*. Qom: Al- Hadi. [In Persian]
- Mo'ezzi, M. K. (1993). *Translation of Qur'an*. Qom: Al- Osva. [In Persian]

- Moosavi Garmaroodi, A. (2005). *Translation of Qur'an*. Tehran: Qadyani. [In Persian]
- Nazari, Y. (2015). Etymological Aspects of Ambiguity in Arabic Language and its impact on the translation of the Holy Quran. *Translation Reseaches in The Arabic Language and Literature*. 5 (12). 41- 64. [In Persian]
- Nohas, A. bin. M. (2000). *E'rab al- Qur'an*. Beirut: Dar al- Kotob al- Elmiya. [In Arabic]
- Qortabi, M bin A. (1985). *Al- Jame' li Ahkam al- Qur'an*. Theran: Naserkhosro. [In Arabic]
- Ragheb Esfahani, H. bin M. (1991). *Mofradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Qalam. [In Arabic]
- Rezayi Esfahani, MA. (2004). *Translation of Qur'an*. Qom: Moassesa Dar al-Zekr. [In Persian]
- Safavi, K. (2016). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
- Safsvi, M. R. (2009). *Translation of Qur'an Based on Al- Mizan*. Qom: Maaref Publishing Office. [In Persian]
- Sharif Razi, M. bin H. (1993). *Nahj al Balagha*. Research of Sobhi Saleh. Qom: Hejrat. [In Arabic]
- Tabari, M. bin J. (1992). *Jami al- Bayan fi Tafsiir el- Qur'an*. Beirut: Dar al-Ketab al-Alamiya. [In Arabic]
- Tabatabayi, S. M. H. (2011). *Al-Mizan fi Tafsiir el-Qur'an*. Beirut: Muassasat ol-Alami lil-Matbuat. [In Arabic]
- _____. (2014). *The Qur'an fi al-Islam*. Qom: Boostan Ketab. [In Persian]
- Tabrasi, F. bin H. (1993). *Majma' al- Bayān Fi Tafsiir el-Qur'an*. Theran: Naserkhosro. [In Arabic]
- Tayyeb Hoseini, S. m. (2016). *Multi- Meaninngfulness in the Holy Qur'an*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
- Tusi, M. bin H. (1986). *Tahzib al- Ahkam*. Research Al- Mousavi. H. Tehran: Dar al- kotob al-Eslamiya. [In Arabic]
- _____. (1996). *Al- Odda fi Osool al- Feqh*. Qom: Tizhoosh. [In Arabic]
- Zamakhshari, MbU. (1986) *al-Kashaf An Ghawamez el-Tanzil*. Beirut: Dar al-ketab el-Arabiy. [In Arabic]
- Zarkeshi, B. (1993). *Al- Bahr al- Mohit fi Osool el- Feqh*. Dar al- Katbi. [In Arabic]

استناد به این مقاله: ذوعلم، آسیه، حاجی خانی، علی. (۱۴۰۰). واکاوی چند معنایی واژگانی و نحوی در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۱ (۲۴)، ۹۳-۱۲۰. doi: 10.22054/rctall.2021.58376.1532



Translation Researches in the Arabic Language & Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.